

حمد مقدس از ذکر و بیان ساحت امنع اقدس حضرت مقصودیرا لایق و سزااست که...

حضرت بهاء الله

اصلی فارسی



رقم (26) - من آثار حضرت بهاء الله - کتاب اشراقات - صفحه 269
- 274

(26)

هو السامع من افقه الاعلی

حمد مقدس از ذکر و بیان ساحت امنع اقدس حضرت مقصودیرا لایق و سزااست که از قلم اعلی کوثر بقا جاری فرمود و از قطره ان مقبلین را حیات ابدی عطا نمود و این قطره در مقام اول و رتبه اولی بهیئت نقطه ظاهر و از او علوم اولین و آخرین را از عالم غیب بعرضه شهود آورد و چون خدمتش مقبول افتاد بحرف با مؤانس گشت و باو علم انه لا اله الا هو مرتفع و رایت نصر و ظفر منصوب اوست مقتدری که اراده اش را قدرت کائنات و قوت ممکنات منع ننماید طوبی از برای نفوسیکه از سلسبیل کلمه یفعل ما یشاء نوشیدند و خود را از عالم و عالمیان فارغ و آزاد مشاهده نمودند انک اذا سمعت صریر قلمی الاعلی و شربت ریحیق الوحی من کأس عطاء مولی الوری قل



ORIGINAL

سبحانک یا مولی الاسماء و فاطر السماء اشهد بوحدانیتک و فردانیتک و بعظمتک و اقتدارک اسئلك بسراج امرک الذی به نورت العالم و باسمک الاعظم الذی به هدیت الامم ان تجعلنی فی کل الاحوال ناطقا بثنائک و قائما علی خدمة اولیائک و متمسکا بحبلک ای رب ترى اقبالی الی افئک و توجهی الی انوار وجهک اسئلك ان لا تجعلنی محروما عما کتبتہ لاصفیائک الذین ما منعتهم سیوف الاعداء عن الاقبال الی افئک الاعلی و لا وضوء العلاء عن ذکرک یا مالک العرش و الثری و رب الآخرة و الاولى ای رب ترى العاصی اراد بحر غفرانک و عفوک اسئلك بکرمک الذی احاط علی العالم ان تغفر جریراتی و خطیئاتی و قدر لی ما یجعلنی مستقیما علی امرک بحیث لا یمنعنی ظلم المعتدین و لا شبهات المربیین و لا اشارات الذین کفروا بوم الدین ای رب لا تمنعنی عما اردت من سماء فضلک نور ارکانی بحدک و رحمتک و قلبی بانوار نیر ظهورک انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت الغفور الکریم

نامه که بعد حاضر ارسال نمودی نزد مظلوم مذکور عرف اقبال و ایمان از ان متضوع از حق میطلبیم از هر یک از احبای ان ارض ظاهر فرماید آنچه را که سبب هدایت خلق است و همچنین جاری نماید آنچه را که علت حیات اهل عالم است لیس هذا علی الله بعزیز در سلمان و اباذر تفکر نما که بعد از قبول بچه مقام فائز گشتند عنایتش تمار را از اختیار نمود و عدلش ابرار را از اشرار اینست معنی کلمه یجعل اسفلکم اعلیکم و اعلیکم اسفلکم در اصحاب عیسی بن مریم تفکر نما باخذ اعشار و سمک مشغول بودند و لکن از پرتو انوار نیر برهان بمقامی رسیدند که علما صید نمودند چه که از خود و ما عندهم گذشتند و بما عند الله اقبال کردند و تمسک جستند اراده و مشیت خود را در مشیة الله محو و فانی نمودند و بخدمت قیام کردند قیامیکه سطوت یهود عنود و عبده اصنام ایشانرا از مالک ایجاد منع نمود از حق میطلبیم کل را تأیید فرماید و حفظ نماید و لکن بعضی از اهل بیان باسبابیکه سبب تفریق و اختلاف است مشغول اصل را گذاشته اند و در فکر آند عجل یافت شود و بان تمسک نمایند و سبب فتنه اخری گردند باید کل از حق جل جلاله مسئلت نمایند آنچه را که سبب اعلاء کلمه و علت استقامت برانست قلم اعلی ترا وصیت مینماید بآنچه سبب ابقا و ارتفاع است و دوستان ان ارض طرا را بحکمت امر نموده و مینماید لئلا یظهر منهم ما تضطرب به الافتدة و النفوس لا زال اولیای ان ارض تحت لحاظ بوده و هستند انا ذکرنا الذی صعد الی الله بذکر لا یتغیر عرفه و لا تنقطع نفحاته انها تكون باقیة ببقاء الملک و الملکوت یشهد بذلک مالک الجبروت اذ استوی علی العرش بسلطان مبین الذی سمی بمحمد قبل علی فی کتاب الاسماء علیه بهاء الله و بهاء من فی السموات و الارضین انا طهرناه عما لا ینبغی و رفعناه الی مقام عجزت عن ذکره الاقلام و نذکر انک الذی سمی بمحمد قبل حسن و ذکرناه بما نزل له فی هذا الحین امطار رحمة ربه الغفور الکریم

یا رفیع امروز کلمه الله از صد اولاد افضل بوده و هست جهد نمائید برضای دوست فائز شوید و ظاهر شود از شما آنچه که ذکرش در کتاب الهی مخلص گردد اینست اولاد حقیقی و قره عین حقیقی و ذریه حقیقی کذلک

نطق المظلوم اذ احاطت به الاحزان بما اكتسبت ايدى الظالمين يا اهل البهآ لا تحزنوا من شىء الا فيما ورد علينا
من جنود الغافلين انا صبرنا فى البأسآ و الضرآ و امرنا اهل البهآ بالصبر الجميل

ام طفل را ذکر مینمائیم و بشارت می‌دهیم بآنچه که در این ليله نازل شده البهآ من لدنا على الذين اخذوا كأس
البقاء باسمى الابهى و شربوا منها رغما لكل غافل بعيد و كل عالم مريب